

حمایت کیفری از صغار بزه‌دیده در قانون جزای افغانستان

حسین‌علی صفدری*

چکیده

کودکان از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند که نیاز به حمایت خاص و توجه ویژه‌ای از سوی قانون‌گذار دارند تا از تعرض و تجاوز دیگران به حقوق‌شان مصون بمانند. این امر، اهمیت و ضرورت بحث را می‌رساند. حمایت کیفری از اطفال عبارت است از: مجموعه قواعد و مقررات کیفری ماهوی و شکلی که در راستای حمایت از حقوق اطفال، با توجه به آسیب‌پذیری بودن آن‌ها در جامعه وضع می‌شود، حمایت کیفری از اطفال می‌تواند در قالب اتخاذ سیاست کیفری افتراقی صورت گیرد، سیاست کیفری افتراقی صغار عبارت است از: برخورداری از یک سیاست کیفری متناسب با شرایط و وضعیت صغار، که در قوانین داخلی هم‌چون: جرم‌انگاری خاص در حوزه اطفال یا به‌صورت تشدید مجازات نسبت به هنجار شکنان در حق اطفال متجلی می‌شود. حمایت کیفری از اطفال هم می‌تواند شامل اطفال بزه‌دیده شود مانند تشدید مجازات نسبت به مرتکبان جرم علیه اطفال و هم می‌تواند شامل اطفال بزه‌کار شود، مانند تخفیف در مجازات اطفال یا حتی مجازات‌های جایگزین، حمایت کیفری از اطفال در قبال جرایم علیه آن‌ها در قانون جزای افغانستان که به‌عنوان «کد جزا» شناخته می‌شود، حمایت‌های خوب، قابل قبول و منطقی، با ضمانت اجرای کیفری صورت گرفته است. در این مقاله ابتدا به انواع جرایم ارتكابی توسط اطفال یا نوجوانان می‌پردازیم و سپس به حمایت‌های کیفری از اطفال بزه‌کار در قانون جزای افغانستان با روش توصیفی-تحلیلی، در این مقاله بیش از ۱۷ مورد حمایت کیفری از اطفال در قانون جزای افغانستان را استخراج و اجمالاً مورد بحث قرار داده‌ایم، امید که به‌منظور دستیابی به قانون بهتر در راستای حمایت از اطفال مفید واقع شود.

واژگان کلیدی: حمایت، کیفر، حمایت کیفری، بزه‌دیده، صغار، قانون مجازات.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه/

حمایت از کودکان در هر جامعه‌ی به دلیل ساختار ذهنی و جسمی خاص کودک مورد توجه بوده‌است و ادیان الهی نیز در این باب به شرایط خاص روحی، ذهنی و جسمی کودک توجه ویژه داشته و در جهت رفاه و امنیت اطفال فعالانه تلاش کرده‌اند و در راستای حمایت از اطفالی که بنا است در آینده زمام امور کشور و ملت به دست آن‌ها سپرده شود، اقدامات حمایتی را انجام داده‌است. هرچند امروزه به دلیل اختلافات مبنایی و ریشه‌ی هم‌چون: مسایل عقیدتی، فرهنگی، مذهبی و پیدایش مکاتب فکری مختلف تفاوت‌های در معیارهای سنجش ارزش‌ها و ارزش‌گذاری‌ها وجود داشته و دارد، اما تمامی انسان‌ها از هر دین، مذهب، قبیله، و طایفه‌ای اتفاق نظر دارند که یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین کارهای که لازم است جوامع بشری انجام دهد این است کودکان را برای آینده خودشان و آینده جامعه و مردم درست تربیت کرده و این سرمایه‌های بالقوه جامعه را در راستای کشف و پرورش استعداد‌های ذاتی و اکتسابی شان حمایت کرده و زمینه‌های لازم را برای ترقی و پرورش فکری اطفال مهیا کنند، تا در قدم اول نسل پاک و سالم تحویل جامعه داده شود و در قدم دوم از استعداد‌های شکوفا شده‌ی اطفال برای آینده جامعه استفاده شود.

قطعا هرانسانی استعداد‌های بالقوه فراوانی دارد که نیاز است آن استعدادها تربیت و کشف شود و این موضوع در گرو این است که حمایت‌های لازم از انسان در همان کودکی و طفولیت صورت گیرد تا کودکان از ابعاد جسمانی روانی و رفتاری به نقصان یا انحرافی مبتلا نگردند، به سمت رشد و سعادت حرکت کنند. برای رسیدن به اهداف فوق برای هر جامعه و حاکمیت لازم است تا حمایت‌های لازم را نسبت به اطفال در نظر گیرند؛ زیرا اطفال به علت ضعف اراده، کمبود تجربه زندگی و عقلی، عدم شناخت کافی از محیط اطراف خود، گاهی گول خورده و مرتکب جرم‌های می‌شوند که آینده

شان را به کلی تحت تاثیر قرار می دهد و گاهی هم در راستای منافع اشخاص دیگر مرتکب جرم می شوند که بر قانون گذار لازم است برای حمایت از اطفال و جلوگیری از تبهکار شدن آنها در آینده، حمایت های قانونی مطلوب از آنها را صورت گیرد، در موضوع حمایت کیفری از اطفال در مقابل جرایمی که علیه اطفال رخ می دهد نیز قانون گذار افغانستان مفصلا بحث کرده و با توجه به این که در افغانستان تحت تاثیر چند دهه جنگ و ناامنی کودکان از حقوق ابتدایی شان محرومند، قانون گذار افغانستان دغدغه های حمایت از اطفال را داشته و در این باب حساسیت های لازم را به خرج داده و حمایت از حقوق اطفال را در کد جزای افغانستان، در فصل دهم و یازدهم از باب هفتم کتاب دوم، تحت عنوان منع استخدام طفل در قطعات نظامی و جرایم نقض حقوق طفل، قانون گذاری کرده است که در این نوشتار، تبیین و بررسی می شود. قبل از آن لازم و ضروری به نظر می رسد که مفاهیم کلیدی و محوری بحث، تعریف و مفهوم شناسی شود.

۱. مفاهیم

۱.۱. حمایت

حمایت واژه عربی است که با حفظ معنای اصلی عربی خود در لغت فارسی را یافته است که در زبان فارسی نیز به معانی نگهبانی کردن، دفاع کردن از کسی، پشتیبانی کردن، به کار می رود. (معین، ۱۳۷۲: ج ۱، ۱۳۷)

حمایت در اصطلاح عبارت است از: هرگونه تمهیدات و مقدمات برای حفظ و پاسداری از حقوق بزهدیده و اعاده حقوق از دست رفته وی، که البته حقوق اعم از حق حیات، تمامیت جسمانی و همچنین حقوق مالی، شئون اسلامی، حیثیت و مانند اینها است. (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۷)

۲.۱. کیفر

در فرهنگ دهخدا کیفر، مکافات نیکی و مکافات بدی را گویند و به عربی جزا خوانده می‌شود، یا پاداش و جزای عمل بد. جزا و پاداش و مکافات نیکی و بدی و عوض و بدل. پاداش کار نیک و بد، جزا، مکافات، جزا، پاداش، باد افراه، باد افیره، عقوبت، عقاب، مکافات، مجازات (دهخدا، ۱۳۳۵: ۴۷۵)

۳.۱. حمایت کیفری

حمایت کیفری عبارت است از: حمایت به صورت جرم‌انگاری خاص در قانون، که در مورد اطفال به معنای تخفیف در مجازات جرایم ارتكابی، یا تشدید مجازات برای مرتکبان آن جرم علیه اطفال که در قانون پیش بینی شده است.

۴.۱. قانون

قانون از واژه یونانی (kanon) گرفته شده است در فرهنگ معین سه معنی برای آن ذکر شده است: ۱. رسم، قاعده، روش، آیین، ۲. امر کلی که بر جزییات منطبق می‌شود و احکام جزئی از آن شناخته شود، ۳. قاعده ایست که مقام صلاحیت‌دار (قوه مقننه) وضع و ابلاغ کنند و آن مبتنی بر عالم تمدن و متناسب با مصالح مردم و همه افراد مملکت باید از آن تبعیت کند. (معین، پیشین: ج ۱، ۷۴۹)

۵.۱. صغار

صغار جمع صغیر در لغت به معنای خردان و کودکان و اطفال به کار می‌رود در مقابل کبار. (همان، ۶۴۴) منظور از طفل بزه‌کار شخصی است، که به سن بلوغ شرعی یا قانونی نرسیده است و مرتکب عمل مجرمانه‌ی شده است که شرع یا قانون آن را منع کرده است.

۶.۱. اطفال در فقه

اما در اصطلاح، فقیهان از اطفال به واژه صغیر تعبیر شده است و برای این واژه تعاریفی به شرح ذیل بیان داشته است: حضرت امام خمینی^(ره) در تحریر الوسیله بیان می‌دارد: «الصغیر هو الذی لم یبلغ حد البلوغ محورا علیه شرعا لاینفذ تصرفاته فی امواله

(خمینی، بی تا: ج ۲، ۱۲) صغیر کسی است که به حد بلوغ نرسیده و شرعا محجور است و تصرفاتش در اموالش نافذ نیست،

۲. سیاست حمایت افتراقی در جرایم ارتكابی علیه اطفال و نوجوانان

اطفال و نوجوانان از گروه‌های آسیب پذیر جامعه هستند و به لحاظ شرایط خاص شان نیازمند حمایت از آنها به طریق اتخاذ سیاست افتراقی لازم و ضروری است. سیاست کیفری افتراقی در قوانین داخلی به صورت جرم‌انگاری خاص در حوزه اطفال و یا به صورت تشدید مجازات متجلی می‌شود، در اسناد بین‌المللی نیز توجه ویژه‌ای به اطفال شده است.

در غالب جرایم حضور دوکنش‌گر ضروری است، بزه‌کار و بزه‌دیده، براساس نظریه حساب‌گری بتنام، شخص قبل از ارتكاب جرم با سنجش منافع و مضار آن به حساب‌گری می‌پردازد و چنانچه در یابد منافع مکتسبه احتمالی از این جرم بیش‌تر از مضار آن است، اقدام به جرم خواهد کرد. (پرادل، ۱۳۸۱: ۶۲)

یکی از مواردی که می‌تواند در حساب‌گری بزه‌کار مورد لحاظ قرار گیرد وجود بزه دیده‌ی است که آماج مناسبی برای ارتكاب جرم باشد اطفال به دلیل وضعیت فیزیولوژیک شان آماج مناسبی برای بزه‌کارانند. این گروه به دلیل فقدان قدرت جسمی و روحی کافی در مقابل ارتكاب جرم علیه خود مقاومت کم‌تری نشان می‌دهند و بعد از ارتكاب جرم نیز ادعای آنها به سختی پذیرفته می‌شود، از این‌رو، چه بسا حتی از افشای بزه‌دیدگی خود ابا دارند. این مشکل باعث شده است، که هم در عرصه بین‌المللی و هم داخلی در جهت حمایت از این دوگروه سیاست کیفری افتراقی اتخاذ شود، در عرصه داخلی قوانین حمایتی عهده‌دار این هدف است.

حمایت از اطفال گاه به صورت جرم‌انگاری خاص و گاه به صورت وضع مجازات‌های شدیدتر نسبت به مرتکبان جرایم علیه آنها تجلی پیدا می‌کند، موقعیت

اطفال که بزه‌دیدگان آرمانی هستند، (لپز و ژینا، ۱۳۷۹: ۵۲) به مراتب وخیم‌تر از موقعیت سایر اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه هم‌چون: زنان است، از این‌رو، نیازمند حمایت و مساعدت‌های خاصی‌اند که متناسب با سن و مراحل رشد و نیازهای ویژه و فردی آن‌ها باشد. (rof ecitsuJ no senilediu, ۲۰۰۴)

۳. انواع حمایت از اطفال

حمایت کیفی از اطفال به دو طریق قابل تصور است:

الف. در هنگامی که اطفال جرمی را مرتکب شود به دلایل مختلف از جمله عدم تجربه کافی، عدم کنترل هیجانات ناشی از ضعف اراده، قانون‌گذار جرم وی را به مانند جرم افراد بزرگسال بررسی نمی‌کند؛ چرا که وی از لحاظ روحی و روانی مانند یک فرد بزرگسال نیست، استعداد بازگشت وی به جامعه، حالت ندامت و پشیمانی که در اطفال رخ می‌دهد با بزرگسالان قابل قیاس نیست و در عین حال معامله به مثل افراد بزرگسال با آن‌ها می‌تواند زمینه تبدیل شدن به مجرم حرفه‌ی را در آن‌ها تقویت کند. ناگفته پیداست که هرچند سیاست کیفری افتراقی به مانند شمشیر دولبه است که قطعاً همان‌طوری که مزایای خود را دارد، معایب خود را نیز دارد؛ زیرا افرادی زیادی از سرشاخه‌های مجرمان برای این‌که خود را از چنگال قانون دور نگه‌دارند از اطفال برای طعمه و ابزار برای اهداف خود شان استفاده می‌کند امروزه از اطفال برای حمل مواد مخدر و پخش آن و انواع جرایم دیگر استفاده ابزاری می‌کنند؛ زیرا استفاده از اطفال برای چنین اعمالی دوامتیز برای شان دارند:

۱. اطفال از تخفیف مجازات برخوردارند و اگر به مجازاتی محکوم شود با محکومیت و مجازات افراد بزرگسال قابل قیاس نیست.

۲. قبلا سر دسته‌های مجرمان افراد را مجاب می‌کنند که در صورت دستگیری اگر اسمی از افراد اصلی نیاورد از امتیازات خاص برخوردار خواهند شد که این مسئله باعث می‌شود اطفال در قدم اول از اعضای اصلی اسمی نیاورند و در قدم دوم از از محکومیت زود رهایی پیدا کنند و در قدم سوم، از مزایا برخوردار شوند.

با همه این تفاسیر، اما قانون‌گذار به حکم شرع، عقل و عرف چاره‌ی ندارد جز این‌که سیاست کیفری افتراقی را اتخاذ کنند.

ب. مجرمان برای فعل مجرمانه‌ی شان معمولا اهدافی را انتخاب می‌کنند که آسیب‌پذیرتر باشند اعم از آسیب‌پذیری روحی روانی، آسیب‌پذیری جسمی یا آسیب‌پذیری حقوقی و...، اطفال به علت‌های مختلف از جمله آسیب‌پذیری روحی و جسمی بیش‌تر از سایرین در معرض سوی استفاده افرادی مجرم قرار می‌گیرند که ضرورت دارد در باب قانون‌گذاری در حوزه اطفال جرم‌انگاری جداگانه و سیاست کیفری افتراقی با هدف حمایت کیفری از اطفال در نظر گرفته شود.

اما در باب حمایت کیفری از اطفال در مقابل جرمی که علیه اطفال اتفاق می‌افتد نیز، قانون‌گذار افغانستان مفصلا بحث کرده و با توجه به این‌که در افغانستان تحت تاثیر چند دهه جنگ و ناامنی کودکان از حقوق ابتدایی شان محرومند، قانون‌گذار افغانستان حساسیت خاصی در این باب به خرج داده و حمایت از حقوق کودک را در کد جزای کشور، مفصل و در ۶ باب به شرح زیر، بحث کرده‌است.

۱. فصل هشتم ذیل مباحث مربوط به اختطاف و مجازات آن مواد ۵۹۲-۵۹۴

۲. فصل دهم که مخصوص در باب حمایت از اطفال و به‌عنوان منع استفاده از اطفال در قطعات نظامی بحث شده‌است که مواد ۶۰۵-۶۰۸ به این موضوع اختصاص پیدا کرده است.

۳. فصل یازدهم با عنوان جرایم نقض حقوق اطفال از مواد ۶۰۹-۶۱۸ به بحث حمایت از اطفال پرداخته است.

۴. در باب هشتم جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی فصل اول بحث تجاوز جنسی و مجازات آن ماده ۶۳۷-۶۳۸ به حمایت از اطفال پرداخته است.

۵. فصل پنجم ذیل عنوان سوق دادن اطفال به انحرافات اخلاقی مواد ۶۵۳-۶۶۷ به موضوع مجازات سوی استفاده کنندگان از اطفال به سوی انحرافات اخلاقی پرداخته است.

۶. در فصل ششم با عنوان آزار و اذیت زنان و اطفال مواد ۶۶۸-۶۷۲ به حمایت از اطفال اختصاص پیدا کرده است. این بود دورنمایی از حمایت کیفری از اطفال در قانون جزای جدید افغانستان که با عنوان کد جزا شناخته می‌شود.

لازم به یادآوری است که ما در مباحث این فصل تنها به بحث‌های پرداختیم که از اطفال بزه دیده حمایت کند یعنی قوانینی را بررسی کردیم که از اطفال در قبال جرایم که علیه آن‌ها اتفاق می‌افتد، حمایت می‌کند.

۴. مصادیق حمایت کیفری از اطفال بزه دیده

حمایت در مقابل جرایم ارتكابی علیه اطفال و نوجوانان نیز از انواع مختلفی برخوردار است که به طور کلی به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱.۴. حمایت در برابر مواد مخدر

امروزه مبارزه با پدیده قاچاق و مصرف مواد مخدر به یکی از اساسی‌ترین اهداف دولت‌ها تبدیل شده است. به رغم تلاش‌های صورت گرفته نه تنها قاچاق مواد مخدر در مقایسه با گذشته کاهش نیافته، بلکه ابعاد آن به مراتب بیش‌تر از قبل شده است. قاچاق سازمان یافته مواد مخدر، آشکارترین گونه‌ی امروزی این پدیده به شمار می‌رود. در این میان سوی استفاده از اطفال برای حمل و پخش مواد مخدر، از جرایم شایع است که

دولت‌ها با آن روبه‌رو است. در جرایم مواد مخدر جنبه‌ی بزهدیدگی بر بزهدکاری اطفال غلبه دارد. در خصوص خرید، فروش و قاچاق مواد مخدر نیز اطفال بیش‌تر بزهدیده هستند تا بزهدکار؛ (عباچی، ۱۳۷۹: ۷۹) زیرا سوداگران مواد مخدر از عدم آگاهی اطفال استفاده کرده و آنان را در فعالیت‌هایی که خطرات زیادی دارد وارد می‌کنند. اطفال به دلیل وضع جسمی و سنی شان بیش‌تر در قاچاق مواد مخدر به‌کار گرفته می‌شوند؛ چون در اکثر کشورها اطفال، مسؤولیت کیفری ندارند. از این‌رو، قاچاقچیان مواد مخدر از اطفال به‌عنوان واسطه قاچاق استفاده می‌کنند. باندهای تبهکارانه مواد مخدر ابتدا سعی می‌کنند که اطفال را به مواد مخدر معتاد و سپس از آن‌ها استفاده کنند.

۲.۴. حمایت از حقوق اجتماعی اطفال

در کنار حمایت از اطفال در برابر فروش و مصرف مواد مخدر حمایت از حقوق اجتماعی آنان نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا اطفالی که از حقوق اجتماعی برخوردار نباشند و قانون آن‌ها را از حقوق اجتماعی شان حمایت نکند، در معرض انواع سوی استفاده‌ها قرار گرفته و زمینه انحراف برای طفل به وجود می‌آید، از مهم‌ترین حقوق اطفال در این حوزه می‌توان به حمایت از آن‌ها در برابر به‌کارگیری در فعالیت‌های نظامی و ممانعت از تحصیل اشاره کرد. (مقدسی و حبیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۵)

۳.۴. حمایت در برابر ضرب، جرح و آزار جسمانی

اطفال به دلیل این‌که توانایی مقابله با صدمات مهاجم را ندارند، آماج مناسبی برای ارتکاب ضرب، جرح و آزار جسمانی‌اند که غالباً نسبت به اطفال کم‌تر از پنج‌سال صورت می‌گیرد، ضرب، جرح و آزار جسمانی می‌تواند از ناحیه نزدیکان و بستگان طفل هم‌چون: پدر و مادر طفل باشد و می‌تواند از ناحیه افراد غریبه باشد که قانون‌گذار در هرباب قواعد حمایتی خاصی را وضع کرده‌است.

۴.۴. حمایت در برابر جرایم جنسی

سوی استفاده جنسی از صغار مشکل جدیدی نیست و در گذر از تنگنای سالیان دراز، اشکال متنوعی به خود گرفته است. پدیده‌ی که مرزهای زمان و مکان را در نور دیده و به صورت‌های مختلف و متحد مسیر پریپیچ و خمی را طی و در این راه هدف یکسانی را دنبال می‌کند (قناد، ۱۳۷۷: ۷۷) اگر در گذشته سوی استفاده جنسی تنها به شکل تعرض جنسی به اطفال و ازدواج اجباری بروز داشت، امروزه اشکال آن متنوع‌تر شده و هرزه نگاری و توریسم جنسی ظهور کرده‌است. حمایت از اطفال در قبال جرایم جنسی علیه آنان امروزه در قواعد بین‌المللی و داخلی متجلی شده‌است که قانون‌گذار حمایت قاطع و شدیدی را در این باب لحاظ کرده‌است

۵. انواع جرایم ارتكابی علیه اطفال

۱.۵. اختطاف طفل

آزادی انسان در روایات امامان معصومین^(ع) جزو خلقت و سرشت انسان دانسته شده است که بدون آن انسان معنا ندارد. اختطاف یک عمل ناپسند و غیرانسانی است که این حق را از انسان‌ها به‌ویژه اطفال و کودکان، بی‌رحمانه سلب می‌کند. امروزه انسان‌ها این عمل ناپسند و غیرانسانی را علیه یکدیگر انجام می‌دهند و بیش‌تر این اعمال در کشورهای رواج پیدا می‌کند که از نگاه امنیت در رده پایین قرار داشته باشد و فقر هم به‌عنوان یک عنصر نقش عمده‌ی را در این مورد بازی می‌کند که اکثر ربایندگان انسان‌ها در افغانستان یا هر جای دیگری بعد از اختطاف کردن شخص یا طفل با خانواده آن‌ها تماس گرفته و درخواست پول می‌کنند.

ماده ۵۹۰ کد جزایی افغانستان به تعریف اختطاف به‌طور مطلق پرداخته است: «اختطاف عبارت است از: ربودن شخص با استفاده از تهدید یا استعمال زور یا انواع دیگری ارباب، یا کاربرد حيله و فریب یا با استفاده از ناتوانی جسمی و روانی یا تبدیل

نمودن طفل نوزاد با طفل نوزاد ديگر يا دور نمودن طفل از والدين يا سرپرست قانونى وى يا رها نمودن طفل در محل غيرمسكون اعم از اين كه چنين اعمال به قصد بهره كشى باشد يا رسانيدن ضرر.»

جرم اختطاف (آدم ربايى) مخفى كردن ديگرى، دو مصداق از جرايم عليه اشخاص است كه علاوه بر سلب آزادى و صدمات بدنى كه ممكن است به مجنى عليه وارد شود، بيش تر شخصيت معنوى قربانى جرم مورد تعرض قرار مى گيرد.

براساس قانون افغانستان ربودن شخص حتى اگر با استفاده از ابزار حيله و فريب باشد يا با استفاده از ناتوانى جسمى و روانى نيز مصداق اختطاف است. پس در جرم اختطاف لازم نيست هميشه از قوه زور براى عمل اختطاف استفاده شود، بلكه عمل مجرمانه ي اختطاف با هروسيله ي كه منتهى به اين جرم شود از مصاديق اختطاف است. سپس قانون گذار افغانستان به حالات مشدده جرم اختطاف پرداخته است. ماده ۵۹۴ كد جزايى افغانستان مى گويد: «ارتكاب جرم اختطاف در يكي از حالت هاى ذيل مشدده شناخته شده است و مرتكب به حداكثر حبس طويل محكوم مى گردد.

۱. در صورتى كه مجنى عليه طفل يا زن باشد يا جرم توسط مستخدم مجنى عليه يا شخصى كه مجنى عليه تحت سرپرستى يا نگرهبانى يا تربيت وى قرار داشته يا با استفاده از ناتوانى جسمى يا روانى مجنى عليه ارتكاب شود.
۲. در صورتى كه مجنى عليه از طريق فعاليت هاى جنسى و تهيه تصاوير و فيلم هاى منافى اخلاق مورد بهره كشى قرار گيرد.»

پس در اين جا قانون گذار براى اطفال يك حمايت خاص و ويژه اى لحاظ كرده است، كه در صورتى كه مجنى عليه (اختطاف شده) طفل باشد، جاني به حداكثر حبس طويل محكوم مى گردد كه مدت آن در ماده ۱۴۷ همين قانون تعيين شده است. حبس طويل از بيش از ۵ سال تا ۱۶ سال را در بر مى گرد و چون در قانون

تصریح شده است که اگر مجنی علیه طفل یا زن باشد، مجرم به حداکثر حبس طویل محکوم می‌گردد که ۱۶ سال باشد.

۲.۵. رهاسازی طفل در محل غیرمسکونی

البته عمل رها سازی طفل در محل غیرمسکونی از باب اختطاف و مانند آن مراد نیست، بلکه گاهی اوقات خانواده‌ها از باب این که از عهده مخارج طفل بر نمی‌آیند و شرایط اقتصادی آن‌ها را مجبور به گذاشتن طفل در محل‌های می‌کنند، که البته معمولاً در محل‌های مسکونی می‌گذارند تا کسی به آن‌ها دسترسی پیدا کرده و از آنان سرپرستی کند، اما گاه به هردلیلی کودکان در محل‌های غیرمسکونی رها می‌شوند مانند پرونده‌ی که اتومبیلی را به سرقت برده و سپس متوجه کودک در درون اتومبیل شده و از شدت ترس و دست و پاچگی، اتومبیل را بدون این که شیشه‌اش را پایین بکشد، در مقابل استخر رها کرده و کودک در درون اتومبیل بدنش در مقابل نور آفتاب سوخته و فوت کرده است.

ماده ۵۹۲ کد جزایی افغانستان می‌گوید: «هرگاه شخصی طفلی را که سن وی از کم‌تر از ۷ سال باشد در محل غیرمسکونی رها کند در صورتی که به طفل صدمه نرسیده باشد به حبس متوسط محکوم می‌گردد. هرگاه در نتیجه جرم رها سازی طفل کم‌تر از ۷ سال در محل غیرمسکونی به طفل صدمه رسیده باشد، مرتکب علاوه بر حبس متوسط به جزای جرم ارتكابی نیز محکوم می‌شود.» باتوجه به نوع صدمه‌ی که بر طفل ممکن است وارد شده باشد، این مجازات متغیر و مختلف خواهد بود.

۳.۵. پنهان نمودن یا تبدیل نمودن طفل نوزاد

ماده ۵۹۳ کد جزای افغانستان می‌گوید: «شخصی که طفل نوزاد را از نزد سرپرست قانونی وی دور سازد یا او را پنهان نماید یا او را با طفل دیگری تبدیل نماید یا او را کذباً به غیرمادرش نسبت دهد به حداکثر حبس متوسط محکوم می‌گردد.»

۴.۵. استخدام اطفال در قطعات نظامی

یکی از گونه‌های جرایم ارتكابی علیه اطفال و کودکان، جرم استخدام اطفال و کودکان در قطعات نظامی است. گاهی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و گاهی توسط دولت‌ها، از کودکان جهت کار در قطعات نظامی، استفاده می‌شود. استفاده اطفال توسط دولت‌ها گاهی به صورت به‌کارگیری آنان در فعالیت‌های نظامی است طبق آمار که وجود دارد، هم اکنون بیش از سیصد هزار کودک زیر هیجده سال در درگیری‌های مسلحانه شرکت دارند. (ایروانیان، ۱۳۸۲: شماره ۱۳۲)

در حمایت از اطفال در برابر شرکت در مخاصمات مسلحانه مقرراتی وضع شده است. از جمله این موارد، ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک است. این ماده بر لزوم منع ورود اطفال کم‌تر از پانزده سال در مخاصمات مسلحانه و پذیرش آن‌ها در نیروهای نظامی تأکید کرده است. با وجود ماده ۳۸ هنوز هم استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه و نیروهای نظامی وجود دارد. بنابراین، سازمان ملل در جهت تصویب پروتکل دیگری در جهت منع ورود اطفال در مخاصمات مسلحانه تلاش کرد.

ماده ۶۰۵ کد جزای افغانستان می‌گوید: «شخصی که طفل را در خدمات نظامی جذب و یا در کارهای خدماتی جزو تام‌های نظامی از آن‌ها استفاده نماید مرتکب جرم گردیده و مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد.» موارد که در این ماده‌ی قانونی استخدام کودک جرم‌انگاری و برای مرتکبان آن مجازات پیش‌بینی شده است، به شرح زیر است:

الف. مجازات استخدام کننده طفل

«هرگاه مسؤول قطعه نظامی طفل را در قطعه نظامی استخدام نماید به حبس قصیر محکوم می‌گردد.» (کد جزا، ماده ۶۰۶) از این قانون استفاده می‌شود که نفس استخدام طفل در قطعه نظامی حتی اگر وی به صورت رسمی شروع به کار نکرده باشد، جرم است و مجازات استخدام کننده این است که به حبس قصیر که مدتش از ۲۴ ساعت تا یک سال

است، محکوم می‌گردد.

با توجه به عمومیت قانون حتی اگر استخدام کننده از خویشان و نزدیکان طفل هم باشد، بازهم این قانون نافذ و جاری است. به عبارت دیگر، خویشاوندی استخدام کننده با طفل سبب نمی‌شود که از جرم وی کاسته شده و یا جرم نفی گردد.

قانون‌گذار در ماده‌ی دیگری تداوم استخدام طفل را جرم و برای آن مجازات تعیین کرده است: «هرگاه مسؤول قطعه نظامی با وجود علم به استحصال وظیفه از طفل در قطعه نظامی ادامه دهد به حبس قصیر محکوم می‌گردد». (همان، ماده ۶۰۸)

در این ماده قانون‌گذار نه تنها استخدام طفل را که در ماده قبل جرم‌انگاری کرده بود، بلکه فراتر از آن تصریح می‌کند که اگر مسؤول قطعه نظامی با علم به این‌که طفل در قطعه نظامی مشغول به خدمت است اجازه دهد که وی در قطعه نظامی باقی بماند به حس قصیر محکوم می‌گردد. مگر این‌که بنا به دلایلی از جمله عدم آگاهی از سن دقیق وی یا چهره وی طوری نشان دهد که طفل زیر سن قانونی بر وی صدق نکند.

ب. استخدام طفل با استفاده از اسناد تزویری

یکی دیگر، از موارد که در این قانونی استخدام کودک جرم‌انگاری و برای مرتکبان آن مجازات پیش بینی شده است، استخدام کودک، با استفاده از اسناد جعلی است. قانون‌گذار در این مورد مقرر می‌دارد: «شخصی که زمینه استخدام طفل را با استفاده از اسناد تزویری فراهم نماید به جزای تزویری مندرج در این قانون محکوم می‌گردد».

منظور از تزویر این است که با حيله و نیرنگ و استفاده از اسناد جعلی یا شاهدان ساختگی طفل را به سن قانونی معرفی کند یا به هرنحوی زمینه‌ی استخدام وی را در قطعات نظامی فراهم آورد.

۵.۵. محرومیت طفل از حق تعلیم دسترسی به آموزش و خدمات صحی

همه‌ی مکاتب و مذاهب تربیت را به‌عنوان حق طفل ذکر کرده، سستی و سهل‌انگاری را در این مورد گناه نابخشودنی دانسته‌اند. عهده‌دار این امر پدر و مادر هستند که شخصا

باید در ادای این حق فرزندشان تلاش کنند و فرزندان خود را به نحو شایسته تربیت کنند. به کار واداشتن اطفال نه تنها موجب ورود آسیب جسمی به آنان می‌شود، بلکه مانع اشتغال آنان به تحصیل خواهد شد. محرومیت اطفال از تحصیل ممکن است به دلیل اشتغال به کار، فقر و نبود امکانات آموزشی باشد. براساس آمارهای اعلام شده هم اکنون یک میلیارد نفر از جوانان در سراسر جهان در حال درس خواندن هستند که در گروه سنی شش تا یازده سال، ۲۴/۵ درصد از دختران و ۱۶/۴ درصد از پسران از آموزش رایگان بی‌نصیب‌اند. (بیگی، پیشین: ۳۲۱)

در حمایت از حق اجتماعی تحصیل اطفال نیز سازمان ملل به تصویب مقرراتی اقدام کرده‌است. علاوه بر اطلاق عبارت هرکس مندرج در ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر که از حق اشخاص برای بهره‌مندی از آموزش رایگان صحبت به میان می‌آورد، اصل ۷ اعلامیه حقوق کودک و ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک به صراحت بر حق اطفال برای بهره‌مندی از آموزش رایگان تأکید کرده‌اند.

قانون‌گذار افغانستان، محرومیت طفل از حق تعلیم دسترسی به آموزش و خدمات صحی را جرم‌انگاری و برای مرتکبان آن مجازات تعیین کرده‌است: «شخصی که مرتکب یکی از اعمال آتی گردد به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد.

۱. محروم ساختن طفل از حق تعلیم آموزش فنی مسلکی

۲. محروم ساختن طفل از دسترسی به خدمات صحی.» (کد جزا، ماده ۶۰۹) هم‌چنین در حمایت از اطفال در ماده ۶۱۷ این قانون می‌گوید: «شخصی که طفل را از تغذیه یا پرستاری که متقاضی حالت وی است عمداً محروم سازد در نتیجه حیات طفل به خطر مواجه گردد به حبس متوسط تا دو سال محکوم می‌گردد.»

۶.۵. استفاده از طفل در فعالیت‌های سیاسی

یکی دیگر، از جرایم ارتكابی علیه کودکان و اطفال، استفاده از طفل در فعالیت‌های سیاسی، است. قانون‌گذار در این مورد مقرر می‌دارد: «شخصی که در فعالیت‌های سیاسی از طفل من‌حیث ابزار و وسیله استفاده کند، به حداکثر حبس قصیر محکوم می‌گردد. (کد جزا، ماده ۶۱۰)

۷.۵. مجازات انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی

یکی از جرایم ارتكابی علیه اطفال، انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی است. قانون‌گذار در این باره مقرر داشته است: «شخصی که طفل را بدون اجازه والدین، ولی، یا سرپرست قانونی نگهداری یا به خارج از کشور انتقال دهد به حبس قصیر بیش از ۹ ماه یا جزای نقدی از ۴۵۰۰۰۰ افغانی تا ۶۰۰۰۰۰ افغانی محکوم می‌گردد. مشروط بر این‌که هدف مرتکب، بهره برداری نباشد.» (همان، ماده ۶۱۱)

۸.۵. لت و کوب طفل

یکی از جرایم علیه طفل، جرم علیه تمامیت جسمانی او است. اطفال به دلیل این‌که توانایی مقابله با صدمات مهاجم را ندارند آماج مناسبی برای ارتكاب ضرب، جرح و آزار جسمانی‌اند که غالباً نسبت به اطفال کم‌تر از پنج‌سال صورت می‌گیرد. از این‌رو، از وظایف قانون‌گذار حمایت از اطفال در برابر ضرب و جرح و آزار جسمانی است.

طبق تحقیقات انجمن جرم‌شناسی استرالیا در سال ۱۹۹۶م، تعداد فوت کودکان در اثر ضرب و جرح بیش‌تر از تعداد مرگ و میر آنان، در نتیجه تصادفات رانندگی، تصادفات اتفاقی و حتی تعداد مرگ و میر افرادی است که در دریا غرق شده‌اند.

(ecnalyoR,۵:۱۹۹۹)

در کنوانسیون حقوق کودک نیز در موارد متعددی به حمایت از اطفال در این حوزه پرداخته شده‌است. از جمله می‌توان به ماده ۶ اشاره کرد که بر حق ذاتی هر کودک برای زندگی اشاره می‌کند. علاوه بر این ماده ۱۹ نیز بر حمایت از تمامیت جسمانی اطفال

تأکید کرده‌است. با توجه به این که ممکن است در مدراس به بهانه‌ی آموزش، اطفال مورد تعرض قرار گیرند، تدوین کنندگان کنوانسیون با وقوف به این امر در ماده ۲۸ به حمایت از اطفال در برابر تنبیه انجام شده در مدراس پرداخته و بر ضرورت نظم و انضباط در مدراس منطبق با شأن اطفال تأکید کرده‌اند. طبق ماده ۳۱ دولت‌های عضو باید اقدامات مناسب را جهت بهبود وضعیت جسمانی و روانی و بازسازی اجتماعی کودکانی که قربانی شکنجه واقع شده‌اند، به عمل آورند. با وجود آموزه‌های دین اسلام مبنی بر احترام به اطفال و خودداری از تعرض جسمی به آنان، ارقام و آمار کودک آزاری در افغانستان بسیار بالا است؛ به گونه‌ی که حتی به مرحله اضطرار رسیده است. ضعف قوانین حمایتی از اطفال در این امر مؤثر بوده‌است.

قانون‌گذار افغانستان، در ماده ۶۱۲ کود جزای افغانستان به حمایت از اطفال در مقابل لت و کوب پرداخته است، در فقره ۱ این ماده می‌گوید: «۱. شخصی که طفلی را مورد لت و کوب تعذیب یا بدرفتاری قرار دهد، اما منجر به معلولیت وی نگردد به حبس قصیر محکوم می‌گردد. ۲. شخصی که جرم فقره ۱ را به صورت مکرر انجام دهد به حداکثر حبس قصیر محکوم می‌گردد. ۳. هرگاه مرتکب جرم مندرج در فقره ۱ این ماده، سرپرست قانونی طفل باشد، به حبس متوسط تا دو سال محکوم می‌گردد.»

۹.۵. استخدام طفل در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی

از آن جایی که دین مبین اسلام ما را به همه ابعاد روحی و روانی طفل به‌عنوان شاخصه‌ی تربیت و رشد همه جانبه و ملاحظه آینده طفل توجه داده است، صحت و سلامتی طفل در قدم اول مورد تأکید قانون‌گذار است استخدام طفل در کارهای فیزیکی و سنگین که به بدن طفل بیش از توان شان فشار وارد می‌کند، ممنوع است. هم‌چنین کارهای که به صحت و تندرستی طفل لطمه می‌زند مانند قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی که برای اطفال مضر و خطرناک است و هم‌چنین کارهای زیرزمینی مانند کار در معدن ذغال سنگ و... نیز برای اطفال ممنوع بود و مجازات پیش بینی شده در قانون

را برای مرتکبان آن، در پی دارد. قانون‌گذار افغانستان، در این مورد می‌گوید: «شخصی که طفل را در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی شبانه یا اضافه کاری استخدام کند یا طفل را به منظور کار به مسافرت مجبور سازد به جزای نقدی از ۱۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ افغانی محکوم می‌گردد». (کد جزا، ماده ۶۱۳)

قانون‌گذار افغانستان نفس استخدام به کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر به صحت و زیرزمینی شبانه و اضافه کاری را به طور مطلق جرم دانسته است، اما کار در مسافرت را منوط به اجبار به مسافرت جرم دانسته است؛ یعنی اگر طفل بدون اجبار و به شوق خود به مسافرت رفته و کار کند از مصادیق جرم مزبور در این قانون نیست.

۱۰.۵. شهادت اجباری طفل

شهادت عبارت است از: بیان اطلاعاتی که شخص به طور مستقیم از واقعه‌ای دارد، اما گاهی به هردلیلی شاهد بالغ یافت نمی‌شود. هرچند یکی از شروط شهادت این است که باید شاهد عادل و بالغ باشد و از آنجایی که اطفال بالغ نیستند، عملاً شهادت کودک در دادگاه مطرح نمی‌شود. در باره صحت و بطلان شهادت طفل در فقه امامیه، اختلاف فراوان است با توجه به این که فقه امامیه دختران را در ۹ سالگی و پسران را در ۱۵ سالگی کامل قمری بالغ می‌داند، اما کد جزای افغانستان می‌گوید: «شخصی که طفل را به ادای شهادت یا اقرار مجبور سازد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از ۳۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ افغانی محکوم می‌گردد، در این قانون اجبار به اقرار را در کنار اجبار به ادای شهادت آورده است؛ یعنی اگر طفلی تحت شرایطی مجبور به اقرار شود نیز اقرار وی نافذ نبوده و اگر منفعی را در باب اقرار اجباری از دست داده باشد، به وی برگردانده می‌شود و کسی که طفل را مجبور به اقرار کرده به مجازات نقدی از ۳۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ افغانی محکوم می‌گردد.

۱۱.۵. عدم تسلیم طفل به سرپرست قانونی وی

قانون‌گذار کشور افغانستان می‌گوید: «۱. شخصی که متکفل طفلی بوده و بعد از مطالبه شخص دیگری به اساس قرار یا حکم محکمه حضانت یا حفاظت طفل به او انتقال یافته طفل را به او تسلیم نکند، به حبس قصیر یا جزای نقدی از ۳۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ افغانی محکوم می‌گردد، گرچه شخص متکفل یکی از والدین یا جدین طفل باشد. ۲. هرگاه یکی از والدین یا جدین، اولاد صغیر یا نواسه خود را خود او یا توسط دیگری از شخصی که به حکم محکمه حضانت یا حفاظت طفل به او سپرده شده است بگیرد به جزای نقدی مندرج در ماده ۱ این قانون محکوم می‌گردد، گرچه بدون حيله و اکراه باشد.» (کد جزا، ماده ۶۱۵، بندهای ۱ و ۲)

۱۲.۵. به خطر مواجه نمودن طفل

بدون شک طفل امروز زن و مرد فردا است و در آینده مسؤولیت‌های بزرگ اجتماعی را بر دوش خواهند کشید بدون تردید اطفال قشر نیازمند، ناتوان و آسیب‌پذیر جامعه است و در دوره طفولیت به مراقبت و توجه ویژه‌ای نیاز دارد تا مانند سایر اقشار جامعه به‌طور سالم و عادلانه زندگی کند و از هرگونه شرایط و زمینه‌ای مطلوب و سالم که برای رشد قوای بدنی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آن‌ها مفید و موثر است، بهره‌گیرند. بدون تردید عدم رعایت حقوق ابتدایی کودک هم‌چون: حق امنیت در خانواده و مراقبت خانواده از وی حیات طفل را به خطر مواجه کرده و طفلی که ناتوان و ضعیف است با کم‌ترین بی‌توجهی ممکن است که حیات خود را از دست دهد.

حفاظت از جان کودکان به حکم عقل و شرع مقدس اسلام از وظایف والدین و سرپرست و ممثل قانونی وی است. قانون‌گذار افغانستان در راستای دفاع از حق حیات طفل می‌گوید: «شخصی که خود وی یا توسط شخص دیگری حیات طفل را با خطر مواجه گرداند به حبس متوسط تا دو سال و یا جزای نقدی از ۶۰۰۰۰ افغانی تا ۱۲۰۰۰۰ افغانی محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۶۱۶، فقرة ۲)

۱۳.۵. مجبور کردن طفل به گدایی

تگدی و گدایی کردن جرم است، اما قانون‌گذار افغانستان برای حمایت از کودکان و اطفال، اجبار آنان را به تگدی، جرم‌انگاری و برای اجبار کنندگان، مجازات تعیین کرده است: «۲. شخصی که طفل را به گدایی مجبور سازد، در غیر از احوال فصل قاجاق انسان مندرج در این قانون به حبس قصیر محکوم می‌گردد. ۳. هرگاه اعمال مندرج در فقره‌های ۱ و ۲ این ماده توسط ممثل قانونی طفل ارتکاب گردد به حداکثر مجازات مندرج این ماده محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۶۱۶، فقره ۲ و ۳)

۱۴.۵. اجبار، تحریک یا تشویق طفل به فسق و فجور

قانون‌گذار، اجبار، تحریک یا تشویق طفل به فسق و فجور را جرم‌انگاری و برای مرتکبان آن مجازات در نظر گرفته است: «۱. شخصی که طفل را به فجور یا اتخاذ فسق به حیث حرفه تحریک تشویق یا مجبور نماید یا در این مورد تسهیلاتی را برای فراهم سازد، به حبس متوسط که از سه سال کم‌تر نباشد محکوم می‌گردد. ۲. هرگاه مرتکب از اقارب مجنی‌علیه تا درجه سوم باشد یا از اجرای عمل خود قصد منفعتی را داشته باشد، به حبس طویل که از ۱۰ سال بیش‌تر نباشد، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۶۱۸، فقره ۱ و ۲)

۱۵.۵. حمایت از طفل در برابر جرایم جنسی

سوی استفاده جنسی از صغار مشکل جدیدی نیست و در گذر از تنگنای سالیان دراز، اشکال متنوعی به خود گرفته است. پدیده‌ی که مرزهای زمان و مکان را در نوردیده و به صورت‌های مختلف و اصالتاً متحد مسیر پریپیچ و خمی را طی و در این راه هدف یکسانی را دنبال می‌کند. (قناد، ۱۳۷۷: ۲) اگر در گذشته سوی استفاده جنسی تنها به شکل تعرض جنسی به اطفال و ازدواج اجباری بروز داشت، امروزه اشکال آن متنوع‌تر شده و هرزه‌نگاری و توریسم جنسی ظهور کرده است. هرچند امروزه در بیش‌تر کشورها

رابطه‌ی جنسی بین دوفرد بدون وجود رابطه زوجیت در صورت رضایت طرفین فاقد عنوان مجرمانه است، ولی این امر تنها به بزرگسالان اختصاص دارد و شامل روابط جنسی با اطفال نمی‌شود و قانون‌گذاران اعتباری برای رضایت اطفال قایل نیستند و معتقدند: اطفال توانایی درک خوب و بد را ندارند تا بتوانند به ایجاد رابطه رضایت دهند و چنانچه به این امر نیز رضایت دهند و رضایت آن‌ها را صحیح بدانیم، به‌خاطر خطراتی که این روابط برای سلامتی آن‌ها دارد، بایستی آن را جرم‌انگاری نماییم. در انگلستان این رویه دنبال شده‌است. (همان، ۲۸)

قیح اجتماعی موجب شده که رقم سیاه جرم بالا باشد و غالب کسانی که مورد تعرض قرار می‌گیرند از افشای تجاوز ابا دارند. در مورد اطفال رقم سیاه بسیار بالاتر است. اغلب آنان چنانچه در طفولیت مورد تعرض قرار گیرند، از بیان تجاوز ابا دارند و سعی در پوشاندن آن دارند. بسیار مشاهده شده است کسانی که مورد تعرض قرار گرفته‌اند بعد از چندین سال و آن هم در سنین بزرگسالی و هنگامی که متجاوز به دلیل تجاوزهای متعدد دستگیر می‌شود، به افشای تجاوز جنسی انجام شده بر خود اقدام می‌کنند. بسیار اتفاق افتاده است کودکانی که در این سن مورد تجاوز واقع گرفته‌اند در بزرگسالی به‌منظور انتقام، اقدام به تجاوز به اطفال نموده‌اند.

مطالعه‌ی که در مورد سوی‌استفاده جنسی در کانادا، توسط کمیته جرایم جنسی علیه کودکان در سال ۱۹۹۸م، صورت گرفت، نشان داد: ۵۳ درصد از زنان و ۳۱ درصد از مردان کانادایی هنگامی که کودک بوده‌اند، مورد بهره‌برداری جنسی قرار گرفته‌اند، ولی از افشای آن، ابا داشته‌اند. (child sexual abus violenc Canada ...، ۲۰۰۴)، امروزه علاوه بر تجاوز جنسی، توریسم جنسی که به‌صورت قاچاق اطفال به مناطق خاص صورت می‌گیرد، به‌عنوان یکی از جرایم سنگین علیه اطفال شناخته شده‌است. قاچاق کودکان سودآورتر از قاچاق مواد مخدر است؛ زیرا از مواد مخدر تنها یک مرتبه می‌توان استفاده

کرد، ولی در قاچاق انسان، می‌توان از شخص که قاچاق شده‌است، به دفعات متعدد استفاده کرد.

هرچند فقر اقتصادی در ظهور این پدیده تأثیر بسزایی داشته است، ولی نمی‌توان از نقش ضعیف حکومت‌های مرکزی و دخالت بعضی حکومت‌ها در قاچاق انسان به سادگی گذشت. این امر را می‌توان در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق مشاهده کرد. در حالی که قبل از فروپاشی شوروی سابق میزان قاچاق زنان و اطفال اندک بود، اما پس از فروپاشی حکومت مرکزی و تشکیل جمهوری‌های تازه استقلال یافته به یک مرتبه میزان قاچاق اطفال و زنان به اروپا افزایش یافت. از جمله این کشورها می‌توان به لیتوانی و مولداوی اشاره کرد. (commercial sexual exploitation) (2004)

به علاوه گاه سود سرشار قاچاق، موجب می‌شود که مأموران دولتی نیز در قاچاق اطفال و زنان شرکت نمایند. از جمله این کشورها می‌توان به تایلند و کامبوج اشاره کرد. ارقامی که در باب قاچاق ذکر می‌شود، بسیار وحشت‌ناک است و گفته می‌شود دومیلیون کودک که اغلب آنان دخترند در صنعت تجارت سکس به کار گرفته شده‌اند. (همان)

شکل دیگر بهره‌برداری جنسی از اطفال هرزه‌نگاری است. اگرچه این پدیده در گذشته در شکل محدود و بر روی صفحات مجلات و روزنامه‌ها وجود داشت، با گسترش اینترنت بر وسعت آن افزوده شده و حتی به صنعت موبایل نیز سرایت کرده است. (<http://www.baztabnews.com/29118>) هرزه‌نگاری می‌تواند هم به صورت صوتی و هم تصویری ارتکاب یابد، ولی آنچه بیش‌تر شایع است و خطرات آن نیز بیش‌تر است، هرزه‌نگاری تصویری است. ارتکاب این عمل می‌تواند اثرات مضر بر کودک داشته باشد. در اغلب موارد تهیه کنندگان تصاویر خود اقدام به تجاوز نسبت به اطفال کرده‌اند. به علاوه تصاویر می‌تواند در به دام انداختن اطفال به کار آید. (کار، ۱۳۸۳: شماره

۸۸، ۴۳) وسعت هرزه‌نگاری اطفال موجب نگرانی سازمان های بین‌المللی از جمله یونیسف نسبت به اطفال در معرض این جرایم شده‌است. (هارتن، ۱۳۸۲: شماره ۸۳ شماره ۵۴)

برای رفع این نگرانی در اسناد بین‌المللی مقرراتی وضع شده‌است. از جمله این مقررات می‌توان به ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد که بر لزوم حمایت دولت‌ها از اطفال در برابر جرایم جنسی تأکید کرده‌است. ماده ۳ کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار نیز استفاده از اطفال در روسپی‌گری و هرزه‌نگاری را به‌عنوان بدترین اشکال کار کودکان ذکر کرده‌است. به دلیل حاد بودن مسئله سوی‌استفاده جنسی از اطفال، جامعه جهانی تصمیم به اتخاذ تدابیر عملی‌تر در مقابله با این امر گرفت.

یکی از این موارد تصویب پروتکل پیش‌گیری الحاقی به کنوانسیون پالمو است. در این پروتکل به‌منظور حمایت بیش‌تر از اطفال در بند «ج» ماده ۳ مقرر شده‌است: قاچاق اطفال در صورتی که آنان به این امر رضایت داشته باشند، نیز تحقق می‌یابد. انتقادی که بر پروتکل وارد است، این است که علاوه بر فقدان تعریف «بهره‌برداری از فحشای دیگران و سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، به قاچاق صورت گرفته در داخل مرزهای کشور واحد اشاره‌ای نکرده‌است.

بنابراین، پروتکل تنها هنگامی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که بزه‌دیده از یک کشور به دیگر قاچاق شود و قاچاق انجام شده در داخل مرزهای کشور واحد مشمول این کنوانسیون نمی‌شود. (سلیمی، ۱۳۸۲: ۹۲) به همین دلیل پیشنهاد شده‌است که قاچاق در درون مرزهای کشور واحد نیز جرم تلقی شود؛ یعنی قاچاق انسان بیش از آن که به صرف خروج غیرقانونی افراد از مرزهای کشورها متمرکز شود، بایستی بر اهداف بهره‌برداری غیرقانونی از افراد به‌ویژه کار اجباری افراد در فحشا متمرکز شود.

(recomendation regarding proposal.2001)

قانون جزای افغانستان می‌گوید: «مرتکب جرم تجاوز جنسی به حبس طویل محکوم می‌گردد. (کد جزا، ماده ۶۳۷)، «هرگاه مردی با شخص زیر سن قانونی مقاربت جنسی انجام دهد، عمل وی تجاوز جنسی شناخته شده و رضایت مجنی‌علیه قابل اعتبار نمی‌باشد.» (همان، ماده ۶۳۸)، «ارتکاب جرم جنسی در حالات ذیل مشدده شناخته شده، مرتکب به مجازات حبس دوام درجه ۲ محکوم می‌گردد. (همان، ماده ۶۳۹، فقره ۱)

۱. مجنی‌علیه طفل باشد.

۲. مرتکب به نحوی بالای مجنی‌علیه اختیار و نفوذ داشته باشد.

۳. عمل تجاوز جنسی سبب ایجاد مجروحیت یا صدمه شدید روحی به مجنی‌علیه گردد.

۴. عمل تجاوز جنسی منجر به امراض مقاربت جنسی گردیده باشد.

۵. مجنی‌علیه از جمله محارم دایمی یا موقتی متجاوز بوده باشد. هرگاه در نتیجه تجاوز جنسی مجنی‌علیه فوت نماید مرتکب به اعدام محکوم می‌شود.» (همان، ماده ۶۳۹، فقره ۲)

۱۶.۵. سوق دادن طفل به انحرافات اخلاقی

سوق دادن طفل به انحرافات اخلاقی، از جرایم علیه اطفال استف قانون‌گذار می‌گوید: «شخصی که طفل مذکر یا منخنث را به منظور لذت بردن جنسی یا رقصاندن در محفل عام یا خصوصی نگه‌داری نماید یا یکی از اعمال مندرج در این فصل انجام دهد مرتکب جرم بچه بازی شناخته شده و مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد.» (همان، ماده ۶۵۳) جرم سوق دادن طفل به انحرافات اخلاقی، گونه‌های متعدد و مختلفی دارد که بدان‌ها اشاره می‌شود:

الف. رقصاندن طفل

قانون‌گذار در این مورد چنین مقرر داشته‌است: «شخصی که طفل مذکر یا منخنث را به

منظور لذت بردن جنسى يا رقصانيدن ننگه دارى نمايد به حبس متوسط تا سه سال محكوم مى گردد.» (همان، ماده ٦٥٤) يا «شخصى كه طفل مذكر يا مخنث را به قصد استثمار در محافل عام يا خصوصى برقصاند به حبس متوسط بيش از ٣ سال محكوم مى گردد.» (همان، ماده ٦٥٦، فقره ١)

ب. آموزش رقص

قانون گذار در اين مورد نيز، چنين مقرر داشته است: «شخصى كه طفل مذكر يا مخنث را به منظور بچه بازى آموزش رقص بدهد به حبس متوسط تا ٢ سال محكوم مى گردد.» (همان، ماده ٦٥٥)

ج. برگزاري محفل بازى

قانون گذار افغانستان، برگزاري محفل بچه بازى را جرم انگارى و براى آن مجازات تعيين کرده است: «شخصى كه محفلى را به منظور بچه بازى برگزار نمايد يا آگاهانه زمينه را براى ارتكاب اين عمل فراهم نمايد به حبس قصير ٣ ماه و در صورت تكرر به حداكثر حبس قصير محكوم مى گردد.» (همان، ماده ٦٥٧)

د. شركت در محفل بچه بازى

قانون گذار افغانستان، شركت در محفل بچه بازى را نيز، جرم انگارى و براى آن مجازات تعيين کرده است: «شخصى كه آگاهانه در محفل كه براى بچه بازى اختصاص يافته است، اشتراك نمايد به جزاى نقدى از ٥٠٠٠ افغانى تا ٣٠٠٠٠ افغانى محكوم مى گردد. (همان، ماده ٦٥٨، فقره ١) يا «هرگاه شخصى جرم مرتكب مندرج در فقره ١ اين ماده را به صورت متكرر مرتكب گردد، به حبس قصير محكوم مى گردد. هرگاه ارتكاب جرايم مندرج در اين فصل منجر به اعتياد طفل به مواد مخدر يا مواد مسكر شده باشد، مرتكب علاوه بر مجازات جرم مرتكبه به مجازات جرم اعتياد اجبارى مندرج اين قانون نيز محكوم مى گردد.» (همان، ماده ٦٥٩)

ه. جرم بچه بازی نیروهای نظامی

«هرگاه جرایم مندرج در این فصل توسط منسوب به نیروی نظامی ارتکاب یابد، مرتکب به حبس متوسط محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۶۶۰) «هرگاه منسوب نیروهای نظامی که از ارتکاب جرم بچه‌بازی توسط اشخاص تحت امر خود آگاهی داشته باشد از ارتکاب آن قصداً جلوگیری ننماید یا اقدامات لازم را در حدود صلاحیت خود برای جلوگیری از ارتکاب آن انجام ندهد به حداکثر مجازات حبس قصیر محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۶۶۱)

و. خرید یا فروش طفل به منظور بچه بازی

خرید یا فروش طفل به منظور بچه بازی نیز است. قانون‌گذار می‌گوید: «هرگاه شخصی طفل را به منظور ارتکاب یکی از جرایمی مندرج در این فصل به فروش برساند یا خریداری کند به مجازات مندرج فصل قاچاق انسان محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۶۶۲)

۱۷.۵. تجاوز جنسی بر طفل

یکی از مصادیق و جلوه‌های جرایم علیه کودکان و اطفال، تجاوز جنسی بر طفل است. قانون‌گذار افغانستان، آن را جرم‌انگاری و برای آن مجازات تعیین کرده است: «هرگاه جرایم ارتكابی مندرج در این فصل به منجر به تجاوز جنسی بر طفل گردد، مرتکب علاوه بر مجازات مندرج ماده ۶۳۹ به این قانون به مجازات جرم بچه‌بازی نیز محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۶۶۳، فقره ۱) یا «هرگاه بچه‌بازی منجر به تفریض یا مساحقه گردد، مرتکب به حداکثر حبس متوسط محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۶۶۳، فقره ۲) «هرگاه بچه‌بازی منجر به آزار و اذیت جنسی طفل غیر از تفریض و مساحقه گردد، مرتکب علاوه بر مجازات جرم بچه‌بازی به مجازات مرتکبه نیز محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۶۶۴)

نتیجه گیری

از مجموع مباحث مقاله به دست می‌آید که حمایت کیفری از اطفال به چند طریق می‌تواند صورت بگیرد: سیاست جرم‌انگاری خاص در حوزه اطفال؛ یعنی بعضی از کارهای که از اطفال سر می‌زنند جرم‌انگاری نشده‌است هرچند آن فعل اگر از شخص بزرگ‌سال سر بزند جرم‌انگاری شده‌است. مجرمان اگر جرمی را در حق اطفال مرتکب شود، مجازات می‌شود در حالی که همون فعل ارتكابی در باره افراد بزرگ‌سال جرم محسوب نمی‌شود، اما درباره اطفال (چون اطفال مجنی‌علیه قرار گرفته) جرم‌انگاری شده‌است مانند رها کردن طفل در محل خالی از سکنه. در بسیاری از موارد قانون‌گذار سیاست تشدید مجازات مرتکبان جرم بر ضد اطفال را اتخاذ کرده‌است. قانون‌گذار افغانستان در راستای حمایت از اطفال سیاست تخفیف مجازات جرم اطفال را نیز اتخاذ کرده‌است از جمله این‌که جنایت عمد و شبه عمد نابالغ به منزله‌ی خطای محض و بر عهده عاقله است.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها، مجلات و پایان‌نامه‌ها

۱. انصاری، مرتضی، مکاسب، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۴۴ق.
۲. ایروانیان، «حمایت از اطفال در برابر بهره‌کشی اقتصادی و جنسی»، ندای صادق، سال هشتم، ۱۳۸۲ شماره ۲.
۳. بیگی، جمال، بزه‌دیدگی اطفال، در حقوق ایران، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴. پیوندی، غلامرضا، حقوق کودک، انتشارات تهران، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۵. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، شرکت گلشن، ۱۳۳۵.
۷. سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته‌تر فراملی، تهران، نشر تهران صدا، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۸. قناد، فاطمه، حمایت کیفری از صغار در برابر جرایم جنسی در نظام حقوقی انگلستان و ولز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
۹. کار، جان، «آثار مضر پورنوگرافی کودک»، ترجمه محمدحسن دزیانی، خبرنامه انفورماتیک، ۱۳۸۳، شماره ۸۸.
۱۰. لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، بزه‌دیدگی‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۱. مرلین هارتن، بزه‌دیدگی اطفال، ترجمه محمدحسین دزیانی، در فضای سایبر خبرنامه انفورماتیک، شماره ۸۳، ۱۳۸۲.
۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸.
۱۳. مقدسی رویین، محمدباقر و حبیب‌زاده، محمد جعفر، درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزه دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی، ۱۳۸۴.

ب. قوانین

۱۴. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان، مصوب ۱۳۸۴ش.
۱۵. قانون مجازات افغانستان (کد جزا)، مصوب ۱۳۹۶ش.
۱۶. قانون سرپرستی اطفال و تشکیل محاکم خاص، مصوب ۱۳۹۲ش.